خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR
• چهارشنبه، ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
• شماره ۲۱۷۵۶
• ۲ ذی القعده ۱۴۴۶
• ۳۰ آوریل ۲۰۲۵

پیشخوان بین الملل

تیتر نخست روزنامه لومانیته فرانسه: «افراد نافرمانی که به جنگ نه می‌گویند»؛ ۵۰ درصد سربازان ذخیره اسرائیل از بازگشت به جبهه، در غزه یا لبنان خودداری می‌کنند. طوماری که توسط بیش از هزار نفر از اعضای نیروی هوایی امضا شده، لجاجت جنایتکارانه [مرگبار] بنیامین نتانیاهو را محکوم می‌کند.

نمای روز

پاکستان از سرنگونی یک پهپاد هندی به دلیل نقض حریم هوایی خبر داد. ارتش‌های دو کشور در خط کنترل تیراندازی کرده‌اند. هند، پاکستان را به حمایت از حمله مرگبار در کشمیر متهم کرده و اسلام‌آباد این اتهام را رد کرده است.

چهره روز

مارک کارنی با پیروزی در انتخابات، نخست‌وزیر جدید کانادا شد. او بر گفت‌وگوی ملی، همکاری با احزاب و دیدار با ترامپ برای تقویت روابط اقتصادی و امنیتی بر اساس احترام متقابل تأکید کرد.

قاب بین‌الملل

تصویری ناراحت‌کننده از بیمارستان اندونزی در «بیت لاهیا» نوار غزه/ زوما

اظهارنظر روز

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌ا...، تجاوز رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت را با حمایت آمریکا دانست و تأکید کرد که آمریکا تنها در سایه ثبات می‌تواند منافع خود در لبنان را حفظ کند. او با بیان این که مقاومت به آتش‌بس پایبند مانده، از دولت لبنان خواست در سطح داخلی و بین‌المللی برای اجرای توافق آتش‌بس تلاش بیشتری کند. شیخ نعیم قاسم ضمن استقبال از موضع رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، خواستار اقدام جدی‌تر مقامات و پرهیز از دادن وعده‌های یک‌جانبه به فرستاده‌های خارجی درباره محدودسازی سلاح مقاومت شد. او رژیم صهیونیستی را متهم به تلاش برای سیطره بر لبنان، احداث شهرک‌های صهیونیستی و تضعیف کشور دانست و گفت دشمن تنها در برابر ایستادگی مقاومت مجبور به پذیرش آتش‌بس شد. به گفته او، لبنان تنها با اتکا به سه‌گانه ارتش، ملت و مقاومت قوی باقی خواهد ماند و نباید از عناصر قدرت خود کوتاه بیاید.

تحلیل روز

حنیف غفاری
international@khorasannews.com

رونوشت ویتکاف از نسخه کیسینجر

ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، به شدت از استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت آمریکا بابت مواضع اخیر وی نگران و خشمگین است. هرچند رئیس جمهور اوکراین دیگر حتی امکان ابراز خشم و نارضایتی را ندارد، اما آن را نشانه‌ای آشکار و هشداردهنده برای تجزیه رسمی کشورش در روند انعقاد توافق آتش‌بس تلقی می‌کند. زلنسکی از ویتکاف به خاطر گفتن این موضوع که مالکیت «پنج منطقه الحاقی» به روسیه موضوع اصلی حل مناقشه است، آزرده خاطر شد. زلنسکی می‌گوید، بحث در مورد این موضوعات خارج از صلاحیت نماینده ویژه ترامپ است. منظور ویتکاف از «پنج منطقه» دونتسک، لوگانسک، زاپوروژیه، خرسون و کریمه است. به عبارت بهتر، ویتکاف به زلنسکی گوشزد کرد، باید در توافق نهایی آتش‌بس با روسیه، از یک سو متعهد شود کشورش حداقل تا دو دهه عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نخواهد شد و از سوی دیگر، کی‌یف باید از حاکمیت خود بر پنج نقطه راهبردی و محل مناقشه با روس‌ها صرف نظر کند. مواضع اخیر ویتکاف را می‌توان ترجمانی گویا از مواضع جنجالی هنری کیسینجر راهبردنویس مشهور آمریکایی در ماه‌های ابتدایی جنگ اوکراین تلقی کرد. کیسینجر در ماه‌های پایانی عمر خود به اعضای پیمان آتلانتیک شمالی و حتی مقام‌های اوکراینی توصیه کرد، هرچه سریع‌تر با واگذاری رسمی کریمه و برخی نقاط دیگر از خاک اوکراین به روسیه، به جنگ چندلایه و غیرقابل پیش‌بینی شکل گرفته پایان دهند. در آن زمان، پیشنهاد کیسینجر با انتقاد و عتاب شدید دموکرات‌های کاخ سفید و اعضای اروپایی ناتو مواجه شد. حتی دولت اوکراین در بیانیه‌ای کیسینجر را عنصر نامطلوب خارجی تلقی کرد. اکنون ویتکاف مواضع کیسینجر را به گونه‌ای عینی‌تر بازنشر داده است. مرگ کیسینجر نیز منجر به آن نشد که سایه «راهبر و واگذاری سرزمین‌های اوکراین» از اتاق‌های فکر وابسته به دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا محو شود. ویتکاف اکنون نه تنها کلیت ایده کیسینجر را تأیید نموده، بلکه مصادیق آن را نیز خطاب به مقام‌های اوکراینی مشخص کرده است. در این میان تلاش‌های زلنسکی برای دستیابی به راهکاری جدید میان ادامه وضعیت موجود و الگوی پیشنهادی آمریکا بی‌نتیجه باقی مانده و چشم‌اندازی نیز برای آن متصور نیست. رئیس جمهور اوکراین به وضوح آگاه است که حتی برخی اعضای اروپایی عضو پیمان آتلانتیک شمالی خود را برای پیاده‌سازی نهایی الگوی ذهنی و عملیاتی ترامپ در روند انعقاد پیمان آتش‌بس احتمالی در جنگ آماده می‌کنند. در چنین وضعیتی زلنسکی نه صرفا با یک تصمیم قطعی بلکه با یک الگوی از پیش طراحی شده مواجه است که دولت ترامپ خود را نسبت به اجرایی ساختن آن مشتاق نشان می‌دهد. این بدترین سناریویی است که زلنسکی و همراهانش در قدرت تصور داشته‌اند. در چنین موقعیتی نام ویتکاف نیز به مانند نام کیسینجر تبدیل به نماد شکست اوکراین در جنگ شده و حتی مسیر ابتکار و تنفس حداقلی اروپاییان عضو پیمان آتلانتیک شمالی در این معادله پیچیده و چندمجهولی را نیز کمرنگ و بلکه بی‌رنگ کرده است.

با رسانه‌ها

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به بررسی درصد چینی بودن محصولات یک خانه معمولی در آمریکا پرداخته و هشدار داده است که تعرفه‌ها باعث افزایش شدید قیمت این محصولات می‌شود. بررسی‌های انجام‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از محصولاتی مثل توستر، چاقو، قابلمه، کنسول بازی، اتو و وسایل آتش‌بازی و... همگی ساخت چین است و از این کشور به ایالات متحده وارد می‌شود.

گیرپاژ ترامپ در دریای سرخ

سقوط جنگنده اف-۱۸ دومین ضربه سنگین به ناوگروه ترومن در عملیات نظامی علیه یمن بود؛ حملات انصارا... تاکتیک‌های آمریکا را مختل و هزینه‌ها را سنگین‌تر کرده است

فاطمه ملک‌زاده
international@khorasannews.com

سقوط یک فروند جنگنده اف-۱۸ آمریکا در دریای سرخ، بار دیگر ضعف عملیاتی ارتش ایالات متحده را در برابر حملات پیچیده و ترکیبی انصارا... یمن آشکار کرد. نیروی دریایی آمریکا مدعی شد که این جنگنده هنگام عملیات یدک‌کشی از روی ناو هواپیمابر «یواس اس هری ترومن» به دریا سقوط کرده و یک ملوان نیز به طور جزئی مجروح شده است. اما روایت رسمی به‌سرعت با اظهارات مقام آمریکایی به الجزیره که سقوط را نتیجه مانورهای سخت ناو در مواجهه با حملات انصارا... دانست، زیر سؤال رفت. در حالی که آمریکا تلاش کرد حادثه را صرفاً یک خطای فنی جلوه دهد، منابع یمنی اعلام کردند که این جنگنده به دنبال حمله موشکی، پهپادی و دریایی نیروهای ارتش یمن به ناوگروه ترومن، ساقط شده و به همراه خودروی کشنده به اعماق دریا فرو رفته است.

شکست راهبردی در عملیات بازدارندگی

سقوط دومین جنگنده F/A-18F سوپر هورنت طی کمتر از یک سال، شکستی دیگر در کارزار هوایی آمریکا علیه یمن محسوب می‌شود. تا امروز، یمنی‌ها بیش از ۳۰ پرنده نظامی آمریکایی را ساقط کرده‌اند، از جمله پهپادهای MQ-9، بالگردهای UH-60 و V-22 و اکنون دو فروند اف-۱۸. این میزان از تلفات نه‌تنها برای یک ارتش کلاسیک بی‌سابقه است، بلکه حاکی از ناکامی جدی واشنگتن در دستیابی به اهداف نظامی در یمن است. در حالی که پنتاگون ادعا می‌کند که کارزار نظامی اخیر برای تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در دریای سرخ است، واقعیت میدانی چیز دیگری نشان می‌دهد: هدف انصارا...، محدود به کشتی‌های اسرائیلی و مقابله با تجاوز به غزه است و نه حمله به ناوگان تجاری جهانی. این تمایز، مشروعیت عملیات‌های یمنی را در افکار عمومی منطقه تقویت کرده و مشروعیت حملات آمریکا را تضعیف کرده است.

افزایش هزینه‌ها، کاهش دستاوردها

برآوردها نشان می‌دهد آمریکا تاکنون حدود ۳ میلیارد دلار در عملیات نظامی اخیر علیه یمن هزینه کرده است، در حالی که دستاوردهای آن بسیار ناچیز بوده‌اند. وبگاه «ریسپانسیبل استیت کرافت» در تحلیلی صریح نوشت که این کارزار، نتایج نامعلومی به بار آورده و از لحاظ راهبردی بی‌اثر بوده است. به گفته نیویورک تایمز، حتی در جلسات توجیهی درون پنتاگون، مقامات نظامی اذعان کرده‌اند که زرادخانه موشکی و پهپادی انصارا... هنوز تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است. سقوط جنگنده اخیر تنها یک خسارت چند ده میلیون دلاری نیست؛ بلکه نمادی از فروپاشی نسبی قابلیت بازدارندگی آمریکا در برابر نیرویی است که بدون بهره‌گیری از فناوری پیشرفته غربی، اما با هوشمندی و تاکتیک‌های بومی، توانسته است ناوگروه‌های سنگین آمریکا را زمین‌گیر کند.

عقب‌نشینی یا درگیری فرسایشی

اگر الگوی حملات یمنی‌ها ادامه یابد و آمریکا همچنان به بی‌نتیجه بودن حملات خود در یمن اذعان داشته باشد، یکی از محتمل‌ترین سناریوها، عقب‌نشینی تدریجی ناوگان آمریکا از دریای سرخ خواهد بود. نشانه‌های این روند هم‌اکنون با فرسودگی ناوگروه ترومن، تلفات متوالی جنگنده‌ها و ناتوانی در پاسخ مؤثر قابل مشاهده است. در مقابل، در صورت اصرار پنتاگون بر تداوم حضور، احتمال ورود به یک درگیری فرسایشی طولانی‌مدت با پیامدهای نامعلوم برای آمریکا وجود دارد. در هر دو صورت، این جنگ هزینه‌بر و بی‌سرانجام، نه‌تنها توان نظامی آمریکا را در منطقه تحلیل می‌برد، بلکه ممکن است موقعیت راهبردی انصارا... را تقویت کند. به‌نظر می‌رسد سقوط اف-۱۸ اخیر تنها یکی از زنجیره حوادثی است که پرده از واقعیتی مهم‌تر برمی‌دارد: توازن قوا در دریای سرخ، آرام و بی‌صدا در حال تغییر به نفع نیروهای یمنی است.

تسویه حساب در اتاق جنگ تل آویو

استعفای رئیس سرویس امنیت داخلی اسرائیل، از تنش‌های پنهان و سوءاستفاده نتانیاهو از ساختارهای امنیتی برای اهداف شخصی پرده برداشت

ملک‌زاده-رونن بار، رئیس سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شاباک)، اعلام کرد در تاریخ ۱۵ ژوئن از مقام خود کناره‌گیری می‌کند. او در دفاعیه‌ای هشت صفحه‌ای که خطاب به دیوان عالی رژیم نوشته شده، مسئولیت ناکامی در پیش‌بینی و هشدار در خصوص عملیات ۷ اکتبر را بر عهده گرفت. این اعتراف آشکار از سوی عالی‌ترین مقام امنیتی شاباک، نشان‌دهنده بحرانی عمیق در ساختار اطلاعاتی اسرائیل است که پیش از این با ادعای برتری اطلاعاتی، همواره خود را غیرقابل نفوذ جلوه می‌داد.

افشاگری علیه نتانیاهو و مداخله‌گری سیاسی

بار در متن استعفایش به مواردی بی‌سابقه اشاره کرد که کمتر در سطح افکار عمومی رژیم اسرائیل بیان شده است. او مدعی شد نتانیاهو بارها از وی خواسته برخلاف قوانین شاباک، علیه معترضان داخلی اقدام کند و اطلاعاتی درباره هویت و منابع مالی آن‌ها به دست آورد. این درخواست‌ها نه‌تنها ساختار حقوقی شاباک را تهدید می‌کند بلکه نشانه‌ای از استفاده ابزاری نخست‌وزیر از نهادهای امنیتی برای سرکوب سیاسی و تحکیم قدرت شخصی‌اش است. همچنین، فشار نتانیاهو برای جلوگیری از ادامه روند محاکمه‌اش به اتهام فساد مالی و اعمال نفوذ بر بار برای صدور دستورهای خلاف رویه قانونی، به وضوح از تلاش سیستماتیک نخست‌وزیر برای فرار از پاسخگویی حکایت دارد.

قطرگیت، شکاف در مذاکرات اسرا و بحران منطقه‌ای

در بخشی دیگر از نامه، بار به رسوایی «قطرگیت» پرداخته است؛ ماجرایی که آن را نه‌تنها موجب تضعیف امنیت داخلی بلکه تهدیدی برای مذاکرات آزادی اسرا و روابط با مصر دانسته است. او می‌گوید این پرونده موجب تقویت غیرمستقیم حماس شده و ضربه‌ای جدی به تلاش‌های اطلاعاتی اسرائیل وارد کرده است. با توجه به این که قطر از اصلی‌ترین میانجیگران در پرونده گروگان‌هاست، شکاف در رویکرد اسرائیل نسبت به این کشور می‌تواند اثرات بلندمدتی بر موقعیت دیپلماتیک آن در منطقه داشته باشد.

حذف ناگهانی از تیم مذاکره و تضعیف نهاد امنیتی

یکی دیگر از موضوعات مهمی که بار افشا کرد، حذف غیرمنتظره‌اش از تیم مذاکرات برای آزادی اسرا است. به گفته او، این تصمیم نتانیاهو در زمانی اتخاذ شد که مرحله دوم مذاکرات در آستانه آغاز بود؛ اقدامی که نه‌تنها انسجام تیم مذاکره‌کننده را زیر سؤال می‌برد، بلکه به معنای کنار گذاشتن نهادهای تخصصی امنیتی از روندهای کلیدی امنیت ملی است. این موضوع پرسش‌هایی را درباره هدف نهایی نتانیاهو از این تحرکات برمی‌انگیزد؛ آیا او در حال بازتعریف جایگاه نهادهای امنیتی بر اساس منافع سیاسی خود است؟

پایان یک چهره امنیتی یا آغاز فشارها علیه نتانیاهو؟

طبق نظرسنجی کانال ۱۳ اسرائیل، ۴۴.۲ درصد از شهروندان، اظهارات بار را باور دارند؛ در حالی که تنها ۲۷.۱ درصد به نتانیاهو اعتماد کرده‌اند. این شکاف، نشان می‌دهد که حتی با کناره‌گیری رئیس شاباک، اعتماد عمومی به نخست‌وزیر این رژیم در پایین‌ترین سطح قرار دارد. در چنین فضایی، ادامه جنگ در غزه نه یک راهبرد امنیتی، بلکه ابزاری برای انحراف افکار عمومی از پرونده‌های قضایی، شکست‌های نظامی و اعتراضات داخلی تلقی می‌شود.

با توجه به تأخیر دیوان عالی اسرائیل در صدور حکم نهایی درباره استعفا و احتمال دخالت‌های سیاسی بیشتر، آینده شاباک در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگر دیوان به نفع بار حکم دهد، می‌توان آن را نشانه‌ای از مقاومت ساختار قضایی علیه مداخلات سیاسی دانست. در غیر این صورت، احتمال تسلط کامل نتانیاهو بر نهادهای امنیتی قوت می‌گیرد. در هر دو حالت، ساختار امنیتی اسرائیل در دوره‌ای پرآشوب قرار گرفته که ممکن است به بازتعریف نقش شاباک، افزایش بی‌اعتمادی درون ساختاری و حتی تشدید شکاف‌های داخلی بین دستگاه‌های حکومتی منجر شود. این استعفا نه یک رخداد صرفاً اداری، بلکه نشانه‌ای از واگرایی شدید در رأس هرم امنیتی و سیاسی اسرائیل است.

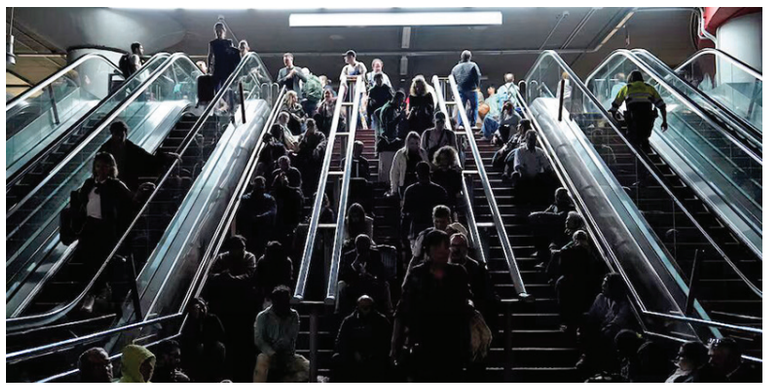

میلیون‌ها نفر در اسپانیا و پرتغال در تاریکی مطلق فرو رفتند؛ قطارها، فرودگاه‌ها و خیابان‌ها فلج شدند و...

از خاموشی تا هرج و مرج

گروه بین الملل-قطعی گسترده برق در اسپانیا، پرتغال و بخش‌هایی از فرانسه، زیرساخت‌های حیاتی این کشورها را مختل کرد. این خاموشی از حدود ساعت ۱۲:۳۰ روز دوشنبه به وقت اروپای مرکزی آغاز شد و کل شبه‌جزیره ایبری را درگیر کرد. در پی این اختلال، حرکت مترو در شهرهایی مانند مادرید، لیسبون و پورتو متوقف شد، چراغ‌های راهنمایی خاموش شدند و مردم ناچار به پیاده‌روی در خیابان‌های پر ازدحام شدند. قطعی برق، فعالیت فرودگاه‌ها را نیز با اختلال روبه‌رو کرد؛ پروازها لغو شد، مسافران در سالن‌های تاریک بدون تهویه و دسترسی به آب منتظر ماندند و اپراتورهای فرودگاهی به فعال‌سازی ژنراتورهای پشتیبان روی آوردند. همزمان، خطوط تلفن، اینترنت و دستگاه‌های خودپرداز نیز از کار افتادند. بیمارستان‌ها برای تأمین نیازهای حیاتی از ژنراتورها استفاده کردند، با این حال خدمات غیراضطراری در بسیاری از مراکز درمانی متوقف شد. شهردار مادرید از مردم خواست تنها در موارد ضروری از خانه خارج شوند تا مسیر برای امدادرسانی باز بماند. پلیس و نیروهای امدادی از بلندگو برای هدایت مردم استفاده کردند. با وجود گذشت چندین ساعت از آغاز بحران، هنوز علت مشخصی برای این اختلال اعلام نشده است. اپراتورهای برق اسپانیا و پرتغال آن را ناشی از نقص در شبکه برق‌رسانی اروپا دانسته‌اند. فرضیه حمله سایبری نیز در سطح رسانه‌ها و میان مقامات مطرح شده، هرچند مرکز امنیت سایبری پرتغال آن را فعلاً تأیید نکرده است. تشکیل تیم بحران در اسپانیا و اظهارات محتاطانه مقام‌های پرتغالی، نشان از ابعاد نامتعارف این خاموشی دارد. این حادثه صرفاً یک قطعی برق نبود، بلکه آزمونی برای کارآمدی ساختارهای به‌ظاهر پیشرفته اروپا در مدیریت بحران‌های پیش‌بینی‌نشده بود؛ آزمونی که نه‌تنها با بی‌برنامگی در حوزه حمل‌ونقل و بهداشت عمومی پاسخ داده شد، بلکه به‌روشنی ضعف در پشتیبانی زیرساختی، فقدان هماهنگی در سطح منطقه‌ای و اتکای بیش از حد به ساختارهای متمرکز را به رخ کشید. در حالی که کشورهای اروپایی معمولاً با رویکرد انتقادی به بحران‌های سایر کشورها می‌نگرند، این رویداد نشان داد که حتی در قلب اروپا نیز زیرساخت‌ها شکننده‌اند و تاب‌آوری در برابر بحران، بیشتر یک ادعاست تا واقعیت.